

خبر

۸ نمایش در تهران

از «درس»

تا «روز باشکوه آقای گورکن»

● گروه هنر: این روزهای پایانی سال ۹۷ انگار تاتار پایتخت از تب‌وتاب نیفتاده است و همچنان آثار تازه‌ای به صحنه می‌آیند و این روزها شاهد اجرای هشت اثر تازه بوده‌ایم.

«درس»، «ما داریم از این خونه میریم»، «ملاقات»، «دختر قهرمان و میر نوروزی»، «جایی که پیاده‌رو تموم میشه»، «کدو قلقله‌زن»، «پدر، پسر، روح‌القدس» و «روز باشکوه آقای گورکن» هشت عنوان نمایشی هستند که در هفته جاری در تماشاخانه‌های خصوصی و دولتی تهران به صحنه آمده‌اند. در ادامه مروری داریم بر نمایش‌هایی که در تالارهای نمایشی پایتخت روی صحنه هستند.

نمایش «درس»، «ما داریم از این خونه میریم» و کارگردانی علی باش، ساعت ۱۷:۳۰ در خانه‌موزه استاد عزت‌الله انتظامی با بازی سمیرا سرچاهی، سحر صفی‌پور و ناروین یغموری روی صحنه است. نمایش «ما داریم از این خونه میریم»، نوشته بهزاد آقاچانی، به کارگردانی حسین اکبریور، از ۱۲ اسفندماه ساعت ۱۹:۳۰ در سالن چارسوی مجموعه تئاترشهر با بازی سروش طاهری، ندا محمدی، منصور جهانبخش و سپهر ملاحسینی اجرا می‌شود.

سالن اصلی این مجموعه از ۱۲ اسفندماه ساعت ۱۹:۳۰ میزبان نمایش «ملاقات»، اثر فردریش دورنمات، با کارگردانی پارسا پیروفر است. تاتار گندم‌ام ۱۲ اسفندماه ساعت ۲۰ میزبان نمایش «جایی که پیاده‌رو تموم میشه»، نوشته کیوان نخعی و کار حمیدرضا فراهانی است. نمایش کودک «کدو قلقله‌زن»، نوشته و کار مهرداد مصلحی، از ۱۸ بهمن‌ماه، ساعت ۱۷ در سالن شماره یک این تماشاخانه اجرا می‌شود و بازیگران آن ندا فرمانی، آمینا حاجی‌آبادی، مهرداد مصلحی و نیلوفر کمپانی هستند.

«پدر، پسر، روح‌القدس»، نوشته و کار محمد مهدی دژپسند، ساعت ۱۹ در تماشاخانه شانوب با بازی پویا کشاورز، الناز میزاپور، سید محمدامین حیدرماهی، محسن کرباسچی، سینا نبوی، حدیث الباسی، سیدعلی میرمصطفی، نیکو میربها و ایمان منافی روی صحنه است. «روز باشکوه آقای گورکن»، نوشته سوسانا هاروتیونیان، ترجمه آندرانیک خچومیان، با طراحی و کارگردانی پارسا پولادوند، از ۱۲ اسفندماه، ساعت ۱۹:۳۰ در سالن کوچک تالار محراب اجرا می‌شود.

نمایش «روز باشکوه آقای گورکن»، به کارگردانی پارسا پولادوند، تا ۲۴ اسفند در مجموعه تاتاری محراب روی صحنه می‌رود.

پارسا پولادوند، کارگردان این نمایش‌نامه است که آن را بر اساس نمایش‌نامه‌ای از نویسنده ارمنی سوسانا هاروتیونیان و با ترجمه آندرانیک خچومیان روی صحنه برده است.

نمایش «تاتاری بی‌جیوان» به کارگردانی بهمن معتمدیان از ۲۲ تا ۲۴ اسفند در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود.

نمایش «تاتاری بی‌جیوان» به کارگردانی بهمن معتمدیان که ثمره چهارمین دوره از کارگاه بازیگری «قدرت سکوت» است و در چهار ماه تمرین و تلاش مداوم شکل گرفته، در هفته پایانی اسفند سال جاری برای سه شب از ۲۲ تا ۲۴ اسفند، ساعت ۱۷، در پردیس تئاتر شهرزاد به صحنه می‌رود.

اجرای نمایش «جودابه» تا ۲۴ اسفند در تماشاخانه سیند تمدید شد.

نمایش «جودابه» به کارگردانی رامین معصومیان و بر اساس متنی از کَهِد تاراج تا ۲۴ اسفند در تماشاخانه سیند به اجرای خود ادامه خواهد داد.

نمایش «جودابه» تا ۲۴ اسفند هر شب ساعت ۱۸:۴۵ در تماشاخانه سپند روی صحنه می‌رود و علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت این نمایش به تماشاخانه سیند به نشانی خیابان کریمخان، خیابان عضدی (آبان جنوبی)، خیابان سیند مراجعه کنند.

زمانبندی ۱۲ اجرای ویژه قبل از نوروز

● هم‌زمان با رونمایی از پوستر نمایش «ساعت هشت در کشتی» که طراحی آن را پریسا فلاح‌زاده، طراح گرافیک گروه، انجام داده است، برنامه دو اجرای ویژه عکاسان، خبرنگاران، منتقدان و همچنین اجرای خبریه این نمایش که عیدی گروه تئاتر مستقل به کودکان و نوجوانان با شرایط خاص محسوب می‌شود، اعلام شد.

نمایش «ساعت هشت در کشتی» تازه‌ترین نمایش گروه تئاتر مستقل با کارگردانی مریم کاظمی، پیش از اجرای عمومی در نوروز ۱۳۹۸، دو اجرای ویژه برای عکاسان، خبرنگاران و منتقدان، همچنین کودکان و نوجوانان تحت پوشش مراکز حمایتی، خبریه‌ها و «ان‌جی‌ا»ها انجام می‌دهد.

نمایش «ساعت هشت در کشتی» با طراحی و کارگردانی مریم کاظمی روزهای ۲۴ و ۲۵ اسفند دو اجرای ویژه در تالار هنر انجام خواهد داد؛ روز جمعه ۲۴ اسفند میزبان عکاسان و خبرنگاران خواهد بود و روز شنبه ۲۵ اسفند نیز این نمایش با حضور خانوادها، کودکان و نوجوانان تحت پوشش مراکز حمایتی روی صحنه می‌رود.
شماره ۹۳۷۱۷۵۶۴۴ برای هماهنگی حضور کودکان تحت پوشش خود در اجرای روز شنبه ۲۵ اسفند اقدام کنند.

گروه هنر: به پاس شش دهه خلاقیت تصویری، به‌عنوان یکی از کسانی که تصاویرش به غنای بیشتر سواد بصری مخاطبان منجر شده است، روز جمعه، ۱۷ اسفند ۹۷ در تالار ناصری خانه هنرمندان ایران در شانزدهمین دوره تصویر سال برگزار شد.

در این نشست که چهره‌های مختلفی از عکاسان و فیلم‌سازان و تصویرپردازان حضور داشتند؛ بزرگمهر حسین‌پور هم‌زمان با استقرار میهمانان در تالار، کشیدن تصویری از کامبیز درم‌بخش را آغاز کرد.

پس از بخش سرود و قرآن و تیزر تصویر سال، هادی حیدری، به‌عنوان آغازگر برنامه در جایگاه قرار گرفت و گفت: بعضی وقت‌ها با خود می‌اندیشم آیا حق داریم از فشارها، کاستی‌ها و شرایطی که خود را بر ما تحمیل کرده‌اند، شکوه کنیم و بنابلیم در جایی که شخصیتی مانند علیحجاب کامبیز درم‌بخش با وجود تمام این شرایط و در آستانه ۷۷ سالگی، همچنان در جست‌وجو، حرکت و خلق جهان‌های تازه و شکفت‌انگیز است؟ کامبیز درم‌بخش به ما آموخته است که خلاقیت هنری حدودمرزی نمی‌شناسد.

ما از آموخته‌ایم که هنری‌زیستن به ادا و اطوار هنری‌درآوردن نیست؛ که به هنرمندانه‌اندیشیدن است، به پالایش و رسیدن به جوهر وجودی ذهن و درون آدمی است، به خوب دیدن و مکتب‌کردن در برابر مظاهر هستی است، به صبوری و حرکت مداوم و مستمر و در نهایت، رسیدن به خلوص و سادگی شخصیتی و هنری است. درست در این نقطه است که شخصیت هنرمند با اثر هنری او، یگانه و هماهنگ می‌شود و تجلی‌مه اینها را می‌شود در جناب استاد درم‌بخش مشاهده کرد و چه خوشبختیم ما که معاصر با او زیست می‌کنیم، هادی حیدری ادامه داد: آثار درم‌بخش مشحون از بازیگوشی‌های تصویری و معنایی است، چه آنجا که فضای بیرون از چارچوب کاغذ را به کمک می‌گیرد تا مفاهیم تازه‌ای منتقل کند، چه زمانی که با عکاسی با ترکیب عکس‌ها به آفرینش هنری دست می‌زند. در رسیدن به ایده‌های کارتون‌هایش وقتی روی یک موضوع متمرکز می‌شود، به حدی کنکاش کرده و از زوایای مختلف به آن می‌نگرد تا عصاره‌اش را بیرون کشیده و ده‌ها سوزه از یک موضوع مشخص استخراج می‌کند. در بازی با فرم چیره‌دست‌است و بخش قابل‌توجهی از کارتون‌های کامبیز درم‌بخش از دل بازی‌های فرمی خلق شده‌اند، اما قلب تپنده کارتون‌های او «خط» است. او معجزه خط را به خوبی می‌شناسد و با بهره‌گیری مناسب و بجا از این عنصر مهم بصری، سمفونی گوش‌نواز خطوط را در آثارش می‌نوازد.

هادی حیدری گفت: در دوره‌های مختلف حرفه‌ای کامبیز درم‌بخش موضوعات متنوعی دست‌مایه کارتون‌های او شده‌اند. در دوره‌هایی به موضوعات اجتماعی پرداخته و در زمانه‌ای دیگر سوزه‌های سیاسی بهانه خلق آثار او بوده‌اند، اما به طور عمومی دغدغه و محور اصلی کارتون‌های جناب درم‌بخش «انسان» است. او موقعیت کنش و واکنش انسان را در شرایط مختلف جست‌وجو می‌کند و به تصویر می‌کشد.

هادی حیدری همچنین به‌عنوان مجری برنامه دعوت از دیگر میهمانان را برعهده گرفت تا این نمایش هرچه جذاب‌تر ادامه پیدا کند. سیف‌الله صمدیان، دبیر جشن تصویر سال و جشنواره فیلم تصویر، نیز به حضارن و میهمانانش خوشامد گفت: او اظهار کرد: ما چهارسال است که به نام نامی تصویر نگوداشت کسانی را که وجودشان آبرودار تصویر شده است برگزار می‌کنیم، سال اول با اکبر عالمی این برنامه آغاز شد، چراکه تلاش‌های او برای معرفی تصویر عده زیادی را با این وادی آشنا کرد. دومین سال محمود کلاری و تصاویر جاودان‌اش در سینما میهمان ما بود. تجلیل از عباس کیارستمی با همکاری رضا میرکریمی و جشنواره بین‌المللی فیلم فجر انجام شد و سال گذشته در ستایش تصویر به علیرضا زرین‌دست

اختصاص یافت که کلمه در بیان آنچه او به تصویر کشیده، قاصر است.

صمدیان با ذکر خاطره‌ای از احمد شاملو گفت: وقتی داشتم از شاملو عکاسی می‌کردم، به او گفتم شما در مصاحبه‌ای گفته بودید که چراغ من در اینجا می‌سوزد. نگران نبودید که این نگاه نوعی از شوینیسم را در میان جوانان دامن بزند؟ شاملو گفت من زمانی که برای معالجه در آمریکا مستقر بودم، می‌دانستم که قبل از ساعت ۹ پستیچی از راه نمی‌رسد، اما از ساعت هشت منتظر می‌نشستم تا کاغذی از ایران به دستم برسد. آن روزها شاملو و دکتر کاووسی با هم اختلاف زیادی داشتند که در فضای مطبوعات منعکس می‌شد. از شاملو پرسیدم حتی اگر کاغذی از دکتر کاووسی باشد، گفت حتی از او.

صمدیان ادامه داد: من آمده‌ام اینجا تا از درم‌بخش به‌خاطر یک تصمیم بزرگ تشکر کنم؛ اینکه با پایان‌دادن به یک غربت ناخواسته یا خودخواسته کامبیز درم‌بخش غربت را به غربت فرستاد.

بخش فیلم کوتاه «هشدار»، ساخته کیومرث درم‌بخش، برنامه بعدی این آیین نگوداشت بود. مجید رجبی‌معمار، مدیرعامل خانه هنرمندان، نیز به‌عنوان سخنران به جایگاه آمد و گفت: کلامی در سخنان بزرگان هست و ما یاد گرفته‌ایم که با بزرگانمان با احترام و با کوچک‌ترها با مهربانی برخورد کنیم. وجه اول این احترام باید در قلب و ذهن آدم باشد. وجه دوم این است که احترام باید به زبان جاری شود و مرحله سوم هم احترام در عرصه عمل است و باید این احترام در تلاش روزمره و قدردانی از حضور آنان جلوه‌گر شود تا شاگردپیروی کنند و مسیر این حرکت تداوم پیدا کند.

جواد علیزاده، سردبیر مجله طنز و کاریکاتور، سخنران بعدی برنامه بود که گفت: من خیلی خوشبختم که کاریکاتور را در کنار آقای درم‌بخش در مجله کاریکاتور آغاز کردم. شیفتگی و عشق ایشان به کار باعث می‌شد که ما هم کارمان را جدی‌تر بگیریم. مسعود شجاعی طباطبایی، مدیر واحد تجسمی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، نیز در این برنامه گفت: کامبیز درم‌بخش بدون شک هنرمندی جهانی است، بنابراین نمی‌توان او را در طیفی خاص و جغرافیایی محدود معنا کرد. او حتی متعلق به ایران هم نیست. درم‌بخش هنرمندی جهانی است؛ هنرمندی بی‌پدیل که دامنه شهرت او در خارج از کشور باعث فخر و مباهات ایران‌زمین است.

شهرت درم‌بخش هیچ‌گاه مقطعی نبوده. او هنرمندی است که هر روز تازه‌تر می‌شود و توانسته است حرف‌های بسیاری در عرصه کارتون و طنز ترسیم‌ی بزند. درم‌بخش به خوبی نقش‌مایه‌های ایرانی را با نوعی زیباشناسی نوین در هم آمیخته و زبان شیرین طنز اِین مرزویوم را در دو قالب طرح‌هایش به نمایش می‌گذارد.

پیام تصویری اردشیر رستمی اتفاق بعدی برنامه

تجلیل از ۶ دهه خلاقیت تصویری «کامبیز درم‌بخش»

در ستایش تصویر



بزرگداشت درم‌بخش بود که گفت امیدوارم من را به عنوان شاگردتان قبول داشته باشید و می‌خواهم تشکر کنم که در هر کجای دنیا با نام ایران حضور داشتید.

احمد مسجدجامعی عضو شورای شهر تهران به‌عنوان سخنران بعدی در جایگاه حاضر شد و گفت: من از منش و رفتار کامبیز درم‌بخش بسیار خوشم می‌آید. ایشان با این موقعیت بین‌المللی همیشه در دسترس علاقه‌مندان و دانشجویان است. این رفتار در آثار ایشان هم متجلی است. مهربانی‌ای که نسبت به طبیعت دارند، باعث می‌شود که آدم با ایشان راحت باشد و احساس نزدیکی کند. درم‌بخش جهانی می‌اندیشد، اما تک‌تک اجزای آثارش ایرانی است.

برای من جالب است که ایشان با این همه سابقه و تداوم فعالیت، همچنان باطراوت کار می‌کند و آدم می‌تواند در کنار آثارش زندگی کند. هوشنگ گلمکانی سردبیر ماهنامه فیلم نیز در این مراسم به جایگاه آمد و گفت: کامبیز درم‌بخش بسیار چهره محترمی است و من ۴۰ سال قبل در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که نماینده و سربازی آمده، افتخار می‌کردم در روزنامه‌ای کار می‌کنم که او نیز در آنجا مشغول به کار است. اتاق فرهنگ در ساختمان پیچ‌درپیچ آنجا در گوشه‌ای قرار گرفته بود که برای من رفتن به آن آرزویم بود

و در چهارسال است، بعد ادامه داد بعضی می‌پرسند بهانه‌ای خودم را به آن اتاق رساندم و هنوز هم بعد از چهل‌ورخده‌ای سال اگر بگویند یک تصویرگر نام ببر به غیر از نام کامبیز درم‌بخش، نام دیگری به یاد نمی‌آید، همان‌طور که در فضای فیلم‌برداری سینما به غیر از نام کلاری، نام دیگری در ذهنم نمی‌آید یا در فضای عکاسی به غیر از کاوه گلستان نام دیگری در ذهنم نیست. درم‌بخش نشان می‌دهد که سادگی اوج پختگی است.

کامبیز درم‌بخش به دعوت هادی حیدری و در میان تشویق‌های حضارن روی سن آمد و از همه حضارن تشکر کرد و گفت برای امروز خیلی مهم‌ام است؛ بعد ادامه داد بعضی می‌پرسند تو سوزه‌هایت را از کجا گیر می‌آوری و من می‌گویم از زندگی روزمره. آن زمان که می‌گفتند می‌خواهی کوجه بخری، بیا محله ما؛ خبر دادند که بیا قرار است از شما تجلیل کنند. در آن مراسم از آقای منوچهر معتبر هم تجلیل می‌شد. مراسمی بود شبیه این پذیرایی‌های مراسم شام عروسی که زنده این پذیرایی‌ها را مراسم شام عروسی که هم نیست. درم‌بخش هنرمندی جهانی است؛ خواندن بیوگرافی من طول کشید و قاب خاتمی به من هدیه دادند که یک جعبه مخملی هم به آن چسبانده شده بود. در تاکسی که نشستم دیدم دو تا کارت خرید ۱۵۰هزارتومانی شهروند در جعبه است. تماس گرفتم و گفتم من می‌خواهم اینها را پس بدهم.

در دوره کلید هم با من تماس گرفتند و گفتند برای تجلیل به موزه زندان قصر بیا. رقم و دیدم که جمعیت زیادی هستند و خواستم جلو بروم که گفتند برو در صف. وارد که شدیم یک لوله سفید

او ادامه داد: «در این موضوع چند فرضیه وجود داشت. یک فرضیه این بود که اختلال صورت گرفته و دیگری این بود که به صورت واقعی آرا جابه‌جا شده است؛ همچنین اساس رای‌گیری متوقف شد. دولت در اجرای «قانون تجارت» ناظر است و اگر تخلفی صورت بگیرد، بر اساس همین قانون باید آن را پیگیری کرد. پیش از این هم بانک مرکزی دراین‌باره با وزارت ارتباطات اِین مطلب را مطرح کرده بود که «یواس‌دی‌ها»ها مشکل دارند. بین آقایان جهرمی؛ وزیر ارتباطات و ولی‌اله سیف؛ رئیس وقت بانک مرکزی، بحث‌هایی دراین‌باره در سال گذشته درگرفته بود و جهرمی عنوان کرده بود آنها کارشان را انجام دهند و صیانت می‌شوند.» او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «ما نمی‌دانیم این تخلف در سطح وزارت ارتباطات بوده است یا خیر، یک متهم مشخص شده که چون اتهام او ثابت نشده، نمی‌توانیم اعلام کنیم.»

نگاه

نگاهی به نمایش «سقراط»، نوشته و کار حمیدرضا نعیمی

یک اجرای پساسقراطی

● احمد طالبی‌نژاد: نقل‌قولی را به سقراط منسوب می‌کنند که می‌گوید وقتی زن نداری، فقط زن نداری. وقتی زن داری، فقط زن داری. ظاهرا این شوخی به آن علت رواج یافته که همسر سقراط – زانتیه – زنی غرغرو، بداخلاق و بددهن بوده و مدام این فیلسوف وارسته را بابت اینکه مانند دیگران کار بدی نمی‌کند و درآمدی ندارد که چرخ زندگی‌شان به درستی بچرخد مورد تحقیر قرار می‌داده. زندگی با چنین زنی که قادر به درک موقعیت این متفکر بزرگ نبوده، موقعیتی ایجاد کرده که نظر و نگاه او نسبت به زنان بدبینانه باشد، هرچند در این اجرا با خلق شخصیت جذاب روسپی شهر و رابطه دوستانه و عاطفی او با این دو انسان تنها و درک‌ناشدنی، کوشش شده نظریه ضدزن‌بودن سقراط نفی و باطل شود. هرچند کارگردان در ترسیم زن کم‌کم سقراط و زنان طناز دیگر، نیم‌نگاهی به این واقعیت – اگر ضدزن‌بودن سقراط واقعیت داشته باشد – کرده است. سقراط اما از یک جنگجوی سلحشور که

در کوران جنگ جزء پیاده‌نظام آتن بود و نخوردن و اندرون از طعام خالی‌داشتن را از آن دوران و در کوران جنگ تمرین و تجربه کرده بود، به مردی تارک دنیای مادی تبدیل شد. مرکزیت اندیشه‌های وی، ارجحیت خرد بر باورهای خرافی است. همین عقلانیت‌گرایی بود که کار دست او داد و بزرگان آتن و کارگزاران منفعت‌طلب حکومت را علیه او شورانده بود. آموزه‌هایش که بسیار ساده و گویا بودند، توسط

شاگردانش، از جمله افلاطون و کریتون مدون و منتشر شد. باری، اگر درباره سقراط هیچ نمی‌دانید یا می‌خواهید بیشتر بدانید، به منابع مکتوب در زمینه تاریخ فلسفه در یونان باستان و البته مَقولاتی مانند روش دیالکتیک سقراط و روش سوفسطاییان که با سقراط مخالفت داشتند رجوع کنید، چون نمایش سقراط، نوشته و کار حمیدرضا نعیمی، کمک زیادی به شما نخواهد کرد. این یک اقتباس کاملاً آزاد از زندگی و دوران سقراط در عصر ظاهرا طلایی یونان باستان – قرن پنجم پیش از میلاد – است؛ دورانی که تمدن بشری به بلوغی حیرت‌انگیز دست یافته و البته در کنارش اخلاقیات هم رو به زوال نهاده بود. همین نکته باعث شد تا نعیمی، درون‌مایه اثرش را بر زمان حال منطبق کند و به قول عوام، وارد معقولات شود. این مجوزی است که البته همه دست‌اندرکاران تئاتر امروز ما ندارند و تعداد معدودی، از این نعمت برخوردارند که هرچه می‌خواهند بی‌پرده بگویند و هر کاری می‌خواهند بر صحنه انجام دهند، بی هیچ مانع و رادعی و البته به نظر من اشکالی هم ندارد. اینها ناخواسته باعث‌یوانی شکستن برخی تابوهای ساختگی برای کشایش فضای هنری جامعه می‌شوند؛ مثلا تگ‌خوانی زنان روی صحنه یا نمایش موزون و میزانشن‌های منع‌شده دیگری که در این نوع کار – مثلا بنویابان موزیکال حسین پارسایی – دیده می‌شود و هیچ اتفاق ناگواری نمی‌هم افتد. از این بابت باید سیاست‌گذار این گروه از دوستان باشیم، اما خود اجرا جدا از فقدان ضربه‌انگ متاسب

با موضوع و کشداربودن برخی صحنه‌ها، به‌ویژه در صحنه‌هایی که سقراط شاگردان یا پیروانش را موعظه می‌کند؛ اجرائی مدرن و جسارت‌آمیز است، اینکه سقراط و همسر و برخی دوستانش پوشش باستانی و پیروان و شاگردان و رجال شهر آتن لباس امروزی بر تن دارند و سیگار می‌کشند و آشکارا قرن بیستمی‌کمی هستند نه هم‌عصر سقراط. ایده جسورانه‌ای است. تصور کنید افلاطون درحالی‌که کت و شلوار به تن دارد و کراوات زده و کش برق پوشیده در مقابلتان ظاهر شود. اِین بازی ظریف می‌توانست بنیاد این نمایش را بر باد دهد و به مضحک‌های غیرقابل‌قبول تبدیلش کند، اما نعیمی با زیرکی، این تئواری را در دل متنی به‌شدت انتقادی و سراسر اشاره به روزگار، ما، نهان کرده و به همین دلیل این دودانگی فضا، توجه‌پذیر شده است. به عبارت دیگر به‌این‌ترتیب، اجرا روزآمد شده است. اما در به‌روزکردن موضوع و مضمون نمایش، نعیمی تمهیدات دیگری هم به کار بسته است؛ مثلا اجرای بریک‌دس توسط جوانان شهر در مقابل سقراط یا فروریختن بطری‌ها و قوطی‌های خالی نوشابه بر سر سقراط که اشاره ظریفی دارد به ماجرای نوشاندن شوکران به حکم دادگاهی نمایشی یا فرمایشی: به او، و حتی رپ‌خوانی مده‌آ همراه با شبیح‌های خود که هم جسورانه است و هم بر جذابیت نمایش می‌افزاید؛ هرچند به گمان من حجم بخش‌های موزیکال اجرا تا حدودی زیاد است و پیداست که برای جذب بیشتر مخاطبان صورت گرفته. بازی‌ها کم‌وبیش متعارفند. فرهاد آیش همانی است که در «سراز شوایک»، کار پیشین نعیمی دیده‌ایم؛ مردی ژنده‌پوش و خمیده‌پشت که آرام آرام می‌رود و آرام سخن می‌گوید. مریم سعادت اگرچه بهترین بازیگر این نمایش است، اما کار خارق‌العاده‌ای نمی‌کند، چراکه متن اساسا شخصیت‌محور از کار درنیا‌مده و بر موقعیت بیشتر تأکید دارد، اما نمی‌توان از دو بازی درخشان دیگر یاد نکرد. کتانه افشاری‌نژاد در نقش ساق‌افشاره‌ای که دوست سقراط است.

افشاری‌نژاد با صدایی رسا و حرکات سنجیده تصویری دل‌فریب از یک شاعره را ترسیم می‌کند و بهاز نازی در نقش روسپی مهربان شهر که تا پایان همراه سقراط می‌ماند، بهترین‌های بازیگری در این اجر بودند و این به آن معنی نیست که دیگر بازیگران قابل‌قبول نبودند.